

رابطه هوش معنوی و پرخاشگری بازیکنان فوتبال پسر رده سنی نوجوانان

حسین بهروزی^۱، مهشید زارع‌زاده^۲، علیرضا صابری کاخکی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۹

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۳۰

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه هوش معنوی و پرخاشگری در بازیکنان فوتبال پسر رده سنی نوجوانان است. پژوهش حاضر از نظر روش، توصیفی و از نوع همبستگی و به لحاظ هدف، کاربردی می‌باشد. جامعه این پژوهش بازیکنان فوتبال پسر رده سنی نوجوانان با دامنه سنی ۱۴ تا ۱۷ سال (میانگین و انحراف استاندارد $15/32 \pm 0/78$) می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تیم‌های مس کرمان، مس رفسنجان، فجر سپاسی، فولاد خوزستان و استقلال اهواز به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای اندازه‌گیری متغیرها از مقیاس هوش معنوی کینگ و پرسش‌نامه پرخاشگری باس و پری استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها، ضریب همبستگی پیرسون و روش رگرسیون چندمتغیری همزمان به‌کاربرده شد. نتایج بین نمره کلی هوش معنوی و خرده‌مقیاس‌های هوش معنوی (تفکر انتقادی وجودی، تولید معنی شخصی، آگاهی، توسعه حالت آگاهی) با پرخاشگری و خرده‌مقیاس‌های پرخاشگری (پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت) رابطه منفی و معناداری نشان دادند. خرده‌مقیاس‌های هوش معنوی توانستند ۰/۳۹ از واریانس پرخاشگری را پیش‌بینی کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهند هر چه هوش معنوی بالاتر باشد احتمال پرخاشگری ورزشکاران در میدان ورزشی کمتر است.

کلیدواژه‌ها: هوش معنوی، پرخاشگری، فوتبال.

The Relationship between Spiritual Intelligence and Aggression among male teen soccer players

Hossein Behroozi, Mahshid Zare Zadeh, Alireza Saberi Kakhki

Abstract

The purpose of this study was to determine the relationship between spiritual intelligence and aggression among male teen soccer players. This is a descriptive practical study. Statistical community were male soccer players aged 14 to 17 years (mean age= 15.32) selected with convenience sampling among Mes-e-Kerman, Mes-e-Rafsanjan, Fajr-e-Sepasi, Foolad-e-Khoozestan and Esteghlal-e-Ahwaz. Measurement tools were King Spiritual Intelligence Scale (2008) and Buss and Perry Aggression Questionnaire (1992). For data analysis, Pearson correlation and multiple regression techniques (enter method) were used. The results indicated that Spiritual Intelligence and its subscales (critical existential thinking, personal meaning production, transcendent awareness, conscious state expansion) had significant relation with Aggression and its subscales (Physical Aggression, Verbal Aggression, Anger, Hostility). Spiritual intelligence subscales predicted 0.39 of aggression's variance. These findings refer this matter that athletes who have a high level of spiritual intelligence, show less aggression in Sports fields.

Key Words: Spiritual Intelligence, Aggression, Football.

Email: Hossein.Behroozi1988@yahoo.com

۱. کارشناس ارشد رفتار حرکتی دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)

۲. استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

۳. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

در دنیای معاصر، ورزش و فعالیت‌های مربوط به آن، زمان و انرژی فراوانی از افراد هر جامعه را به خود اختصاص داده و به‌عنوان پدیده‌ای مؤثر در همهٔ جوامع جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است (پارسامهر و ترکان، ۱۳۸۸، ص. ۸۵). در این میان فوتبال به‌دلیل جذابیت خاص خود یکی از پربیننده‌ترین و پرطرفدارترین رشته‌های ورزشی شناخته می‌شود. هرچند خشونت در فوتبال و دیگر رشته‌های ورزشی پدیده‌ای نوظهور نیست اما در چند دههٔ اخیر تشدید یافته به‌طوری که ممکن است خطر نابودی فرهنگ ورزشی را در پی داشته باشد. فوتبال و ورزش حرفه‌ای که می‌تواند صحنه‌ای باشد برای تبدیل رقابت‌های سازمان یافتهٔ اجتماعی به مبارزات بدون خشونت، خود گاه‌وبیگاه دستخوش خشونت و درگیری‌های پدیده‌مانند می‌شود (وٹوقی و خسروی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۷). اعمال خشونت‌بار و رفتارهای پرخطرانه از دیرباز در جوامع بشری شایع بوده است (راس^۱، ۱۹۹۷، ص. ۶۹). در بین مراحل رشد انسان از کودکی تا سالمندی بیشترین رفتار پرخطرانه در مرحلهٔ نوجوانی دیده می‌شود (والکر^۲ و روبرتس^۳، ۲۰۰۱، ص. ۳۹۳). پرخطرگری اختلالی است که در کودکان و نوجوانان به‌صورت‌های مختلف بروز می‌کند و یک مشکل در حال رشد در نوجوانان است (اوهساکو^۴، ۱۹۹۷، ص. ۸). پرخطرگری ارتکاب هرگونه رفتار کلامی و غیرکلامی است که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به‌قصد آزار جسمی و روانی دیگران صورت گیرد. براساس این تعریف، خشونت که آمار آن در دنیا هشداردهنده است تنها بخشی از پرخطرگری است که هدف آن ایجاد آسیب‌های جسمی به دیگران است

(موهر^۵، ۲۰۰۳، ص. ۵۵۶). نوجوانان پرخطرگر نمی‌توانند به‌درستی پیامدهای رفتار خود را پیش‌بینی کنند، در محرک‌های اجتماعی نشانه‌های خصمانه فراوانی را مشاهده می‌کنند، درک درستی از سطح پرخطرگری خود ندارند، از راه‌حل‌های کلامی اندکی برای اثبات خود در مسائل اجتماعی بهره می‌جویند و بیشتر از راه‌حل‌های پرخطرانه استفاده می‌کنند (گراهام^۶، ۲۰۰۲، ص. ۲۶۴). آنها از نظر اخلاقی پرخطرگری را مطلوب ارزیابی می‌کنند و به‌دلیل همین مقبولیت ارزشی، از پرخطرگری به‌عنوان راهکار مناسب استفاده می‌کنند (پاکاسلاhti^۷، ۲۰۰۰، ص. ۴۸۱). امروزه در دنیای ورزش، توانایی‌های جسمانی و تاکتیکی و مهارت‌های تخصصی تنها ضامن موفقیت نیستند. بسیاری از ورزشکاران بهترین عملکرد خود را در تمرین‌ها نشان می‌دهند. اما هنگام مسابقه و رقابت و رویارویی با رقیبان، رسانه‌ها و تماشاگران و موقعیت‌های فشارزای دیگر دچار واکنش هیجانی می‌شوند؛ هیجانات مختلفی از جمله خشم، ترس، امید، ناامیدی، نگرانی، غرور، غم وجود دارند که برای بیان حالات احساسی و روانی مثبت و منفی و علائم جسمانی همراه آن به‌کار می‌روند (برنشتاین^۸، کلارک-استوارت^۹ و ویکنز^{۱۰}، ۱۹۹۷، ص. ۵۹۰). هوش معنوی بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌ها و منابع معنوی است که کاربست آنها موجب افزایش انطباق‌پذیری و در نتیجه ارتقای سلامت روان افراد می‌شود (زوهار و مارشال^{۱۱}، ۲۰۰۰، ص. ۳۳۴؛ کینگ^{۱۲}، ۲۰۰۸، ص. ۴۴). وست^{۱۳} (۱۳۸۳)

5. Moher
6. Graham
7. Pakaslahti
8. Bernstein
9. Clarke-Stewart
10. Wickens
11. Zohar & Marshall
12. King
13. West

1. Ross
2. Walker
3. Roberts
4. Ohsaco

بر این باور است که افراد دارای زندگی معنوی، بدون شک از نظر روان‌شناختی افراد سالمی هستند (وست، ۱۳۸۳؛ به نقل از یعقوبی، ۱۳۸۹، ص. ۹۳). از دیدگاه واگان^۱ (۲۰۰۲) هوش معنوی یکپارچه‌کننده زندگی درونی و معنوی با زندگی بیرونی و محیط کار است و می‌توان گفت که هوش معنوی مکانیسمی است که توسط آن کیفیت زندگی افراد، بهبود می‌یابد. از دیدگاه او هوش معنوی برای شناسایی انتخاب‌هایی که در بهزیستی روان‌شناختی و رشد سلامتی کل بشر نقش دارند، امری لازم است (واگان، ۲۰۰۲، ص. ۱۷). نتیجه پژوهش واگان با مطالعات کینگ (۲۰۰۸) و کینگ و دسیکو^۲ (۲۰۰۹) همخوانی دارد. در این مطالعات، هوش معنوی با افسردگی، پرخاشگری، خصومت، اضطراب و خودفربیی رابطه منفی نشان داد. همچنین هوش معنوی با صفات خلقی، حساسیت اجتماعی، رضایت زندگی، انرژی و فعالیت رابطه مثبت داشت (کینگ، ۲۰۰۸؛ کینگ و دسیکو، ۲۰۰۹، ص. ۷۲). هوش معنوی می‌تواند ادراک ما را از وقایعی مثل سلامتی یا بیماری، شکل داده و سازمان دهد و نه تنها در سلامت تأثیر دارد، بلکه در تجارب سخت زندگی مثل غم یا فقدان، مفید واقع شده و در بهزیستی فرد نیز مؤثر است (واگان، ۲۰۰۲، ص. ۲۴). حتی برخی پژوهشگران، سیطره تأثیر هوش معنوی را از این فراتر می‌دانند. به‌طور مثال، به‌عقیده زوهار و مارشال (۲۰۰۰) هوش معنوی، بنیان عملکرد کاراتر هوش عقلائی و هوش هیجانی است (زوهار و مارشال، ۲۰۰۰، ص. ۳۲۴). بر همین اساس می‌توان ادعان نمود که ارتباط مستقیمی می‌تواند بین هوش هیجانی و هوش معنوی وجود داشته باشد. پژوهش‌ها نشان داد که بین هوش معنوی و هوش هیجانی و صلاحیت‌های شخصی و سلامت ذهن همبستگی بالایی وجود دارد. هوش معنوی به رشد و غنا و

تقویت هوش هیجانی کمک و یاری می‌رساند و همچنین هوش هیجانی در رسیدن فرد به یک هوش معنوی بالا یاری‌دهنده است. بنابراین، می‌توان فرض کرد که برای رسیدن به یک زندگی شاد و خوشبخت همراه با سلامت جسمانی و روانی، هوش معنوی و هوش هیجانی لازم و ملزوم یکدیگر هستند (الکینز و کاوندیش^۳، ۲۰۰۴، ص. ۱۸۰؛ موسسه آگاهی‌سنجی پرودیو، ۲۰۰۳، ص. ۱۱؛ راس، ۱۹۹۴، ص. ۴۴۱؛ تامپسون^۴، ۲۰۱۲، ص. ۳۳؛ اسوالد^۵، ۲۰۰۴، ص. ۱۴۳؛ ص. ۱۴۳؛ وانو کاسولر^۶، ۲۰۰۴، ص. ۲۳۶). لی آيو و همکاران^۷ (۲۰۰۳) پژوهشی را بر روی ۲۰۳ دانش آموز دبیرستانی در مالزی به‌منظور بررسی تأثیر هوش هیجانی بر مشکلات رفتاری، انجام دادند. نتایج نشان داد که هوش هیجانی می‌تواند با درونی و بیرونی کردن مشکلات، ارتباط داشته باشد. در این پژوهش نشان داده شد که سطوح بالای هوش هیجانی با سطوح پایین بروز مشکلات رفتاری از قبیل اضطراب تحصیلی، افسردگی، شکایات جسمی، استرس، پرخاشگری و بزهکاری رابطه دارد (لی آيو و همکاران، ۲۰۰۳؛ به نقل از جوادی و پرو، ۱۳۸۷، ص. ۷۲). مروری بر پژوهش‌ها نشان می‌دهد که به‌طور کلی در سال‌های اخیر توجه به هوش معنوی به‌عنوان یکی از سازه‌های مهم و اثرگذار در سلامت روان و سازگاری افزایش یافته است. عوامل مختلفی از قبیل عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی در پرخاشگری افراد تأثیرگذارند. هوش معنوی از جمله عوامل فردی و شخصیتی مؤثر بر پرخاشگری است و از آنجایی که در زمینه ارتباط هوش معنوی و پرخاشگری پژوهشی یافت نشد، پژوهش حاضر درصدد بررسی رابطه هوش معنوی و پرخاشگری بازیکنان فوتبال پسر رده سنی

3. Elkins & Cavendish
4. Thompson
5. Oswald
6. Van & Cusveller
7. Liao et al.

1. Vaughan
2. King & De Cicco

نوجوانان است. بر همین اساس، ما در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که سهم نسبی هر یک از حیطه‌های هوش معنوی بر پرخاشگری و حیطه‌های آن چقدر است؟

روش

پژوهش حاضر از نظر روش توصیفی و از نوع همبستگی و به لحاظ هدف کاربردی می‌باشد. جامعه این پژوهش بازیکنان پسر فوتبال رده سنی نوجوانان با دامنه سنی ۱۴ تا ۱۷ سال بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تیم‌های مس کرمان، مس رفسنجان، فجر شهید سپاسی، فولاد خوزستان و استقلال اهواز به عنوان نمونه انتخاب شدند. پس از تهیه معرفی‌نامه برای ارائه به باشگاه‌های منتخب، با سرپرست تیم‌ها برای دریافت مجوز برای حضور در اردوها و اطلاع از زمان و محل تمرینات و تعداد ورزشکاران دعوت‌شده در اردوها هماهنگی‌های لازم انجام شد. در محل اردو نیز تعاملات لازم را با مربیان تیم‌ها انجام داده و توضیحات مورد نیاز در خصوص نحوه پرکردن پرسش‌نامه‌ها داده شد. مجموع بازیکنان دعوت‌شده به اردوها برای پنج تیم، ۱۱۷ نفر بود که از این تعداد به ترتیب ۲۳، ۱۹، ۲۱، ۲۱، ۱۵ نفر از تیم‌های مس کرمان، مس رفسنجان، فجر شهید سپاسی، فولاد خوزستان و استقلال اهواز حاضر به همکاری شدند.

ابزار

مقیاس هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸): یک مقیاس خودسنجی است که فرم اصلی آن شامل ۸۳ ماده می‌باشد که در پژوهش حاضر از فرم کوتاه ۲۴ ماده‌ای آن استفاده گردید. این مقیاس شامل چهار بعد با عنوان‌های «تفکر انتقادی وجودی»، «تولید معنی شخصی»، «آگاهی» و «توسعه حالت آگاهی» می‌باشد که به هر ماده در یک مقیاس ۵ درجه‌ای از کاملاً موافقم (۴) تا کاملاً مخالفم (۰) نمره داده

می‌شود. (۱) «تفکر انتقادی وجودی» در مورد موضوعاتی از قبیل زندگی، مرگ، زندگی پس از مرگ، واقعیت، عدالت و دیگر موضوعات وجودی یا ماورایی. (۲) «توانایی تولید معنی شخصی» و اهداف شخصی از تجربیات ذهنی و جسمانی و به عبارتی زندگی براساس اهداف ایجادشده. (۳) «آگاهی» توانایی شناسایی ابعاد متعالی و ماورایی در خود، دیگران و جهان مادی. (۴) «توسعه حالت آگاهی» توانایی ورود به حالت‌های معنوی یا فراتر از هشیاری. نمره کلی مقیاس از مجموع نمره‌های به‌دست آمده از ماده‌ها حاصل می‌شود. ضریب پایایی کل آزمون و زیرمقیاس‌ها براساس ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۹۵، ۰/۸۸، ۰/۸۷، ۰/۸۹، ۰/۹۴ گزارش شده است (نورزاد قراملکی، میرنسب، غباری‌بناب و هاشمی، ۱۳۹۰، ص ۲۰). در پژوهش رقیبی و همکاران (۱۳۸۹) ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه ۰/۸۹، همچنین ضریب اعتبار پرسش‌نامه هوش معنوی از طریق بازآزمایی در یک نمونه ۷۰ نفری به فاصله زمانی متوسط دو هفته ۰/۶۷ محاسبه شد (معلمی، رقیبی و سالاری‌درگی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۷؛ مقیمی و مجیدی، ۱۳۹۰؛ کشاورزی و یوسفی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۲).

پرسش‌نامه پرخاشگری باس و پری^۱ (۱۹۹۲): این پرسش‌نامه ۲۹ سؤالی است و چهار جنبه پرخاشگری (فیزیکی، کلامی، خشم و خصومت) و به‌طورکلی پرخاشگری فرد را می‌سنجد. سازندگان آن ضریب آلفای کرونباخ (ضریب همسانی درونی) را برای مؤلفه‌های پرسش‌نامه ۰/۸۹ گزارش کردند و از نظر اعتبار بازآزمایی، ثبات همبستگی بازآزمایی آن پس از یک دوره نه‌ماهه، ۰/۸۰ گزارش شده است. روایی و پایایی نسخه فارسی این پرسش‌نامه در پژوهش مسعودنیا (۱۳۸۶) بر روی ورزشکاران و غیرورزشکاران تأیید شد و ضریب همسانی درونی

1. Buss and Perry Aggression Scale

مؤلفه‌های این مقیاس را ۰/۸۴ گزارش کردند. همچنین در پژوهش نقدی (۱۳۸۹) آلفای کرونباخ برای پایایی این ابزار، ۰/۸۵ گزارش شد و برای روایی سازه آن، همبستگی درونی بین خرده‌مقیاس‌ها با نمره کل محاسبه شد که برای پرخاشگری فیزیکی ۰/۸۴، پرخاشگری کلامی ۰/۷۸، خشم ۰/۸۶ و خصومت ۰/۶۸ به دست آمد. همه مؤلفه‌های این مقیاس براساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (خیلی موافق تا خیلی مخالف) درجه‌بندی شده است (ملکی، محمدزاده و قوامی، ۱۳۹۱، ص. ۱۸۰؛ باس و پری، ۱۹۹۲، ص. ۴۵۴).

انحراف استاندارد و نمودارها) استفاده شد. همچنین برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان برای پیش‌بینی پرخاشگری از طریق مؤلفه‌های هوش معنوی، برای پیش‌بینی پرخاشگری از طریق نمره کل هوش معنوی از رگرسیون خطی ساده و برای تعیین رابطه هوش معنوی با پرخاشگری نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌ها

در جدول ۱ و ۲ شاخص‌های پراکندگی شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره برای متغیرهای پژوهش آورده شده است. همچنین به منظور بررسی چگونگی ارتباط متغیرهای پژوهش، همبستگی آنها با یکدیگر محاسبه شد (جدول ۳).

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین \pm انحراف معیار	ضریب تغییرات	حداقل نمره	حداکثر نمره
هوش معنوی	۴۱/۲۶ \pm ۵/۶۷	۱۳/۷۴	۲۹	۵۴
پرخاشگری	۱۱۵/۲۷ \pm ۹/۴۹	۸/۲۳	۸۳	۱۴۲

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ۱ ملاحظه می‌شود که شرکت‌کنندگان در آزمون به پرخاشگری با کمترین ضریب تغییرات بیشترین گرایش را داشته‌اند.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار خرده‌مقیاس‌ها

متغیرها	خرده‌مقیاس‌ها	میانگین \pm انحراف معیار	ضریب تغییرات	حداقل نمره	حداکثر نمره
هوش معنوی	تفکر انتقادی وجودی	۱۲/۴۲ \pm ۲/۵۹	۲۰/۸۵	۵	۱۹
	تولید معنی شخصی	۸/۵۴ \pm ۲/۰۱	۲۳/۵۳	۲	۱۲
	آگاهی	۸/۴۹ \pm ۲/۱۰	۲۴/۷۳	۳	۱۵
پرخاشگری	توسعه حالت آگاهی	۸/۱۷ \pm ۲/۲۷	۲۷/۷۸	۳	۱۴
	پرخاشگری فیزیکی	۳۵/۶۶ \pm ۳/۳۶	۹/۴۲	۲۵	۴۴
	پرخاشگری کلامی	۱۹/۶۵ \pm ۲/۳۲	۱۱/۸۰	۱۳	۲۵
	خشم	۲۸/۰۸ \pm ۲/۹۳	۱۰/۴۳	۱۹	۳۵
	خصومت	۳۱/۸۶ \pm ۳/۲۰	۱۰/۰۴	۲۳	۴۰

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ۲ مشخص می‌شود که در بین مؤلفه‌های هوش معنوی، مؤلفه

پرخاشگری فیزیکی با کمترین ضریب تغییرات و مؤلفه پرخاشگری کلامی با بیشترین ضریب تغییرات به ترتیب بیشترین و کمترین اولویت را دارند.

تفکر انتقادی وجودی با کمترین ضریب تغییرات و مؤلفه توسعه حالت آگاهی با بیشترین ضریب تغییرات به ترتیب بیشترین و کمترین اولویت را داشته‌اند و در نهایت در بین مؤلفه‌های پرخاشگری، مؤلفه

جدول ۳. ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
هوش معنوی	۱									
پرخاشگری	-۰/۵۸**	۱								
تفکر انتقادی وجودی	۰/۵۹**	-۰/۴۰**	۱							
تولید معنی شخصی	۰/۵۱**	-۰/۳۷**	۰/۰۴	۱						
آگاهی	۰/۴۷**	-۰/۲۴*	۰/۰۳	۰/۱۳	۱					
توسعه حالت آگاهی	۰/۶۵**	-۰/۴۲**	۰/۲۴*	۰/۰۹	۰/۱۳	۱				
پرخاشگری فیزیکی	-۰/۴۹**	۰/۸۳**	-۰/۲۵**	-۰/۲۲*	-۰/۲۰*	-۰/۳۷**	۱			
پرخاشگری کلامی	-۰/۴۱**	۰/۷۰**	-۰/۲۰*	-۰/۲۱*	-۰/۲۲*	-۰/۲۷**	۰/۴۳**	۱		
خشم	-۰/۵۳**	۰/۸۳**	-۰/۴۱**	-۰/۲۱*	-۰/۲۶**	-۰/۳۱**	۰/۶۴**	۰/۴۵**	۱	
خصومت	-۰/۴۲**	۰/۸۰**	-۰/۳۰**	-۰/۲۱*	-۰/۰۸	-۰/۳۶**	۰/۵۱**	۰/۴۸**	۰/۵۵**	۱

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است (دوطرفه).

* همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است (دوطرفه).

استفاده شد که نتایج آن‌ها در جداول ۴ تا ۹ آمده است. اما پیش از استفاده از رگرسیون، برای هر یک از مدل‌های رگرسیون ارائه شده در جداول ۴ تا ۹ پیش‌فرض‌های رگرسیون برای هر یک از تحلیل‌ها به تفصیل مورد آزمون قرار گرفت. از جمله اینکه برای بررسی استقلال خطاها از آزمون دوربین-واتسون؛ برای بررسی هم‌خطی چندگانه از شاخص‌های ضریب تحمل و عامل تورم واریانس و برای بررسی نرمال-بودن توزیع داده‌ها نیز از سه روش رسم نمودار هیستوگرام، نمودار تجمعی (P-P) و آزمون غیرپارامتری کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. مقدار آزمون دوربین-واتسون در پیش‌بینی پرخاشگری (و ابعاد آن) از روی نمره کلی هوش معنوی (و نیز از روی ابعاد آن) به‌طور کلی از ۱/۶۴ تا ۱/۹۱ بود که مطابق با پیرسون (۲۰۱۰) بیانگر استقلال خطاها بود. نتایج آزمون کولموگروف-

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، هوش معنوی با پرخاشگری ($r = -0/58, p < 0/01$) رابطه منفی و معناداری دارد. نتایج این جدول نشان می‌دهد که رابطه هر یک از مؤلفه‌های هوش معنوی با همدیگر مثبت، ولی فقط رابطه مؤلفه تفکر انتقادی وجودی با مؤلفه توسعه حالت آگاهی ($r = 0/24, p < 0/05$) معنادار بود. نتایج حاصل از این جدول بیانگر آن است که رابطه هر یک از مؤلفه‌های هوش معنوی با مؤلفه‌های پرخاشگری منفی و معنادار و فقط رابطه مؤلفه آگاهی با مؤلفه خصومت ($r = -0/08, p > 0/05$) منفی و بی‌معنا است. رابطه هر یک از مؤلفه‌های پرخاشگری نیز باهم مثبت و در سطح معنادار است ($p < 0/01$).

برای بررسی امکان پیش‌بینی پرخاشگری (و ابعاد آن) از طریق هوش معنوی (و ابعاد آن) از روش رگرسیون خطی ساده و رگرسیون چندگانه به‌شیوه همزمان

چندگانه نیز در جداول ۵ و ۶ آورده شده است. براساس یافته‌های مندرج در جداول ۵ و ۶ می‌توان گفت که شاخصه‌های هم‌خطی بودن نشان می‌دهند که بین متغیرهای پیش‌بین، هم‌خطی وجود نداشته و نتایج حاصل از مدل رگرسیون قابل اعتماد می‌باشد. نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد مقدار آزمون F برای بررسی تأثیر هوش معنوی بر پرخاشگری برابر با ۶۱/۳۷ بوده که سطح معناداری آن کمتر از ۰/۰۰۱ می‌باشد و این بدان معنی است که تغییر نشان داده شده به وسیله مدل بر اثر اتفاق نیست. نگاهی بر R^2 نشان می‌دهد که ۳۹ درصد از واریانس پرخاشگری توسط هوش معنوی تبیین می‌شود.

اسمیرنوف نیز در همه موارد، بیانگر عدم معناداری آزمون و در نتیجه، طبیعی بودن توزیع بود. نمودار هیستوگرام نیز نشان داد که مقادیر مانده‌ها تقریباً دارای توزیع نرمال با میانگین صفر و انحراف معیاری به‌طور متوسط برابر ۰/۹۷۹ هستند. در نمودار تجمعی نیز مشخص گردید که داده‌ها کاملاً از توزیع طبیعی تبعیت می‌کنند، زیرا تمام نقاط نمودار روی نیم‌ساز ربع اول قرار داشتند. برای بررسی مفروضه استقلال مانده‌ها از یکدیگر نیز از رسم نمودار سری زمانی استفاده شد و مشخص شد که در این نمودار هیچ روند خاصی مشاهده نمی‌گردد. به‌طور کلی نتایج حاصله، وجود مفروضه‌های رگرسیون را مورد تأیید قرار دادند. شاخص‌های بیانگر مفروضه هم‌خطی

جدول ۴. خلاصه محاسبات ضریب رگرسیون نمره کل هوش معنوی و نمره کل پرخاشگری

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	F	Sig	R	R^2	β	t	Sig
هوش معنوی	پرخاشگری	۶۱/۳۷	۰/۰۰۱	۰/۶۲	۰/۳۹	-۰/۶۲	-۷/۸۳	۰/۰۰۱

متغیر پیش‌بین (مؤلفه‌های هوش معنوی) قابل توضیح است. همچنین ملاحظه می‌شود که مؤلفه‌های تفکر انتقادی وجودی، تولید معنی شخصی و توسعه حالت آگاهی از قدرت پیش‌بینی معناداری برخوردار هستند ($p < ۰/۰۱$).

با توجه به نتایج حاصل از جدول ۵ ضریب همبستگی چندگانه معادل ۰/۶۳ است. یعنی مؤلفه‌های هوش معنوی در مجموع ۶۳ درصد با پرخاشگری همبستگی دارند. ضریب تعیین نیز برابر با ۰/۳۹ است و نشان می‌دهد که ۳۹ درصد از واریانس پرخاشگری از طریق

جدول ۵. خلاصه محاسبات ضریب رگرسیون متغیرهای پیش‌بین و پرخاشگری

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	F	Sig	R	R^2	β	t	Sig	شاخص‌های هم‌خطی چندگانه	
									شاخص تحمل	عامل تورم واریانس
تفکر انتقادی وجودی تولید معنی شخصی آگاهی توسعه حالت آگاهی	پرخاشگری	۱۵/۳۵	۰/۰۰۱	۰/۶۳	۰/۳۹	-۰/۲۷	-۳/۳۰	۰/۰۰۱	۰/۹۲۳	۱/۰۸۳
									۰/۹۷۷	۱/۰۲۴
									۰/۹۵۹	۱/۰۴۳
									۰/۹۰۱	۱/۱۱۰

از واریانس پرخاشگری فیزیکی از طریق متغیر پیش‌بین (مؤلفه‌های هوش معنوی) قابل توضیح است. همچنین ملاحظه می‌شود که ابعاد تفکر انتقادی وجودی و توسعه حالت آگاهی قدرت پیش‌بینی معناداری دارند ($p < 0/01$).

نتایج حاصل از جدول ۶ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه معادل با ۰/۵۱ است. به عبارت دیگر، مؤلفه‌های هوش معنوی در مجموع ۵۱ درصد با پرخاشگری فیزیکی همبستگی دارند. ضریب تعیین برابر با ۰/۲۶ به دست آمد که نشان می‌دهد ۲۶ درصد

جدول ۶. خلاصه محاسبات ضریب رگرسیون متغیرهای پیش‌بین و مؤلفه پرخاشگری فیزیکی

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	F	Sig	R	R ²	β	t	Sig	شاخص‌های هم‌خطی چندگانه	
									عامل تورم	شاخص تحمل
تفکر انتقادی وجودی تولید معنی شخصی آگاهی توسعه حالت آگاهی	تفکر انتقادی وجودی تولید معنی شخصی آگاهی توسعه حالت آگاهی	۸/۴۷	۰/۰۰۱	۰/۵۱	۰/۲۶	-	۲/۹۹	۰/۰۰۳	۰/۹۴۲	۱/۰۶۱
							۱/۸۷	۰/۰۶۴	۰/۹۷۶	۱/۰۲۴
							۱/۵۵	۰/۱۲۳	۰/۹۶۸	۱/۰۳۳
							۲/۹۹	۰/۰۰۴	۰/۹۲۳	۱/۰۸۳

در جدول ۷ مشاهده می‌شود که ضریب همبستگی چندگانه برابر ۰/۴۰ است. به عبارت دیگر مؤلفه‌های هوش معنوی در مجموع ۴۰ درصد با پرخاشگری کلامی همبستگی دارند. ضریب تعیین برابر با ۰/۱۶ به دست آمده است که نشان‌دهنده این است که ۱۶ درصد از تغییرات پرخاشگری کلامی از طریق متغیر پیش‌بین یعنی مؤلفه‌های هوش معنوی قابل توضیح است. با توجه به نتایج به دست آمده، مؤلفه توسعه حالت آگاهی از قدرت پیش‌بینی معناداری برخوردار است ($p < 0/05$).

در جدول ۷ مشاهده می‌شود که ضریب همبستگی چندگانه برابر ۰/۴۰ است. به عبارت دیگر مؤلفه‌های هوش معنوی در مجموع ۴۰ درصد با پرخاشگری کلامی همبستگی دارند. ضریب تعیین برابر با ۰/۱۶ به دست آمده است که نشان‌دهنده این است که ۱۶ درصد از تغییرات پرخاشگری کلامی از طریق متغیر پیش‌بین یعنی مؤلفه‌های هوش معنوی قابل توضیح است. با توجه به نتایج به دست آمده، مؤلفه توسعه حالت آگاهی از قدرت پیش‌بینی معناداری برخوردار است ($p < 0/05$).

جدول ۷. خلاصه محاسبات ضریب رگرسیون متغیرهای پیش‌بین و مؤلفه پرخاشگری کلامی

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	F	Sig	R	R ²	β	t	Sig
تفکر انتقادی وجودی تولید معنی شخصی آگاهی توسعه حالت آگاهی	تفکر انتقادی وجودی تولید معنی شخصی آگاهی توسعه حالت آگاهی	۴/۵۶	۰/۰۰۲	۰/۴۰	۰/۱۶	-	۱/۵۳	۰/۱۲۹
							۱/۷۲	۰/۰۸۸
							۱/۸۶	۰/۰۶۵
							۲/۰۳	۰/۰۴۴

نتایج حاصل از جدول ۸ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه معادل ۰/۵۴ است. به عبارت دیگر مؤلفه‌های هوش معنوی در مجموع ۵۴ درصد با خشم همبستگی دارند. ضریب تعیین برابر با ۰/۲۹ به دست آمد که نشان می‌دهد ۲۹ درصد از واریانس خشم از طریق متغیر پیش‌بین (مؤلفه‌های هوش معنوی) قابل توضیح است. همچنین مؤلفه تفکر انتقادی وجودی در سطح ($p < 0/01$) و مؤلفه‌های آگاهی و توسعه حالت آگاهی در سطح ($p < 0/05$) پیش‌بینی‌کننده معنادار خشم هستند.

نتایج حاصل از جدول ۸ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه معادل ۰/۵۴ است. به عبارت دیگر مؤلفه‌های هوش معنوی در مجموع ۵۴ درصد با خشم همبستگی دارند. ضریب تعیین برابر با ۰/۲۹ به دست آمد که نشان می‌دهد ۲۹ درصد از واریانس خشم از طریق متغیر پیش‌بین (مؤلفه‌های هوش معنوی) قابل توضیح است. همچنین مؤلفه تفکر انتقادی وجودی در سطح ($p < 0/01$) و مؤلفه‌های آگاهی و توسعه حالت آگاهی در سطح ($p < 0/05$) پیش‌بینی‌کننده معنادار خشم هستند.

جدول ۸. خلاصه محاسبات ضریب رگرسیون متغیرهای پیش‌بین و مؤلفه خشم

Sig	t	β	R ²	R	Sig	F	متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین
۰/۰۰۱	-۳/۹۵	-۰/۳۵	۰/۳۹	۰/۵۴	۰/۰۰۱	۹/۷۷	خشم	تفکر انتقادی وجودی
۰/۰۸۰	-۱/۷۷	-۰/۱۵						تولید معنی شخصی
۰/۰۲۱	-۲/۳۵	-۰/۲۰						آگاهی
۰/۰۳۷	-۲/۱۱	-۰/۱۹						توسعه حالت آگاهی

مؤلفه‌های هوش معنوی قابل توضیح است. با توجه به نتایج به‌دست آمده مؤلفه تفکر انتقادی وجودی در سطح ($p < ۰/۰۵$) و مؤلفه توسعه حالت آگاهی در سطح ($p < ۰/۰۱$) پیش‌بینی‌کننده معنادار خصومت هستند.

در جدول ۹ مشاهده می‌شود که ضریب همبستگی چندگانه برابر ۰/۴۶ است. به‌عبارت دیگر مؤلفه‌های هوش معنوی در مجموع ۴۶ درصد با خصومت همبستگی دارند. ضریب تعیین برابر با ۰/۲۱ به‌دست آمده است که نشان‌دهنده این است که ۲۱ درصد از تغییرات خصومت از طریق متغیر پیش‌بین یعنی

جدول ۹. خلاصه محاسبات ضریب رگرسیون متغیرهای پیش‌بین و مؤلفه خصومت

Sig	t	β	R ²	R	Sig	F	متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین
۰/۰۱۸	-۲/۴۰	-۰/۲۲	۰/۲۱	۰/۴۶	۰/۰۰۱	۶/۴۸	خشم	تفکر انتقادی وجودی
۰/۰۵۹	-۱/۹۱	-۰/۱۷						تولید معنی شخصی
۰/۸۷۳	-۰/۱۶	-۰/۰۱						آگاهی
۰/۰۰۳	-۳/۱۰	-۰/۲۹						توسعه حالت آگاهی

حالت آگاهی از هوش معنوی می‌توانند پیش‌بینی‌کننده کاهش خصومت از پرخاشگری باشند. بنابراین حیطه‌های هوش معنوی می‌توانند پیش‌بینی‌کننده حیطه‌های پرخاشگری باشند و می‌توانند موجب کاهش آن‌ها گردند. براساس یافته‌های حاصل می‌توان اذعان نمود، اگر انسان بتواند به شکل اخلاقی با دیگران ارتباط برقرار کند و در هر شرایطی به دیگران کمک کند، می‌تواند شاهد یک انسان وارسته بود. بنابراین تقویت هوش معنوی، که به‌واقع همان اخلاقی عمل کردن است، موجب بهبود رفتار اجتماعی و احترام به عواطف و احساسات

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش در زمینه سهم نسبی هر یک از حیطه‌های هوش معنوی بر حیطه‌های پرخاشگری، نشان داد که از چهار حیطه هوش معنوی ورزشکاران، دو حیطه آن یعنی تفکر انتقادی وجودی و توسعه حالت آگاهی می‌توانند بر پرخاشگری فیزیکی از پرخاشگری، یک حیطه هوش معنوی یعنی، توسعه حالت آگاهی بر حیطه پرخاشگری کلامی، سه حیطه هوش معنوی یعنی، تفکر انتقادی وجودی، آگاهی و توسعه حالت آگاهی بر حیطه خشم از پرخاشگری و همچنین دو حیطه تفکر انتقادی وجودی و توسعه

بخشودگی باعث کاهش خشم و پرخاشگری روان-شناختی در افراد می‌شود (ایتن و استروثرز، ۲۰۰۶، ص ۱۹۷). نورمحمدی، رحیم‌نهاد و بیابانیان (۱۳۹۲) در پژوهش خود تحت عنوان «رابطه هوش معنوی و سبک‌های دلبستگی با پرخاشگری در نوجوانان»، به این نتیجه رسید که بین هوش معنوی و سبک دلبستگی مطمئن با پرخاشگری رابطه منفی وجود دارد (نورمحمدی، رحیم‌نهاد و بیابانیان، ۱۳۹۲). از جمله صفاتی که روان‌شناسان برای افراد با هوش معنوی بالا نام می‌برند خودکنترلی (توانمندبودن در خودداری و کنترل خویش) است (ایمونز، ۲۰۰۰، ص ۳). دنسون، دی‌وال و فینکل^{۱۱} (۲۰۱۲) در پژوهش خود با عنوان «خودکنترلی و پرخاشگری» گزارش داد که خودداری و خودکنترلی بر کاهش پرخاشگری تأثیر داشته است (دنسون، دی‌وال و فینکل، ۲۰۱۲، ص ۲۰). یافته‌های دنسون (۲۰۱۲) با نتایج ویگلس‌ورث^{۱۲} (۲۰۱۱) و ابهری (۱۳۹۲) مبنی بر اینکه مهارت خودکنترلی اصلی‌ترین ابزار پیشگیری از پرخاشگری است، مطابقت دارد (ویگلس‌ورث، ۲۰۱۱، ص ۴؛ ابهری، ۱۳۹۲). در حقیقت، پژوهش‌ها نشان‌دهنده افرادی که در رفتار خود خویشتن‌دار نیستند استعداد بیشتری در خشونت و پرخاشگری دارند (کاستیلو، فالون، باکا، کونفورتی و کووالس^{۱۳}، ۲۰۰۲، ص ۱۱۹؛ اورکات، کینگ ال. و کینگ دی.، ۲۰۰۳، ص ۳۸۲). از نظر ایمونز (۲۰۰۰) هوش معنوی کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی در جهت حل مسئله در زندگی روزانه و فرایند دستیابی به هدف می‌باشد. وی به‌صورت ابتکاری پنج مؤلفه را برای هوش معنوی پیشنهاد کرده است که یکی از

و رعایت حقوق دیگران یا به‌عبارت دیگر، بهبود و تقویت هوش هیجانی و به‌دنبال آن کاهش پرخاشگری می‌گردد (حاجیان، شیخ‌الاسلامی، همایی، رحیمی و امین‌الرعا، ۱۳۹۱، ص ۵۰۵). براساس یافته‌های پژوهش، می‌توان به یک رابطه معکوس بین هوش معنوی و پرخاشگری پی‌برد. این یافته‌ها با نتایج کینگ و دسیکو (۲۰۰۹) همخوانی دارد (کینگ و دسیکو، ۲۰۰۹، ص ۷۲). مطالعات اندکی ارتباط بین معنویت و پرخاشگری را مورد بررسی قرار داده‌اند. ادبیات موجود نشان می‌دهد که رابطه معکوسی بین معنویت و خصومت (کونینگ^۱، ۲۰۰۱، ص ۱۰۰؛ لانسزاک، کلیفاسفی، مارلات، بلوم و دنون^۲، ۲۰۰۶، ص ۱۷۶) و خشونت بین اعضای خانواده (الیسون و اندرسون^۳، ۲۰۰۱، ص ۲۶۹؛ ایسون، بارتکووسکی و اندرسون^۴، ۱۹۹۹، ص ۹۲) وجود دارد. مداخلاتی که ابعاد معنویت را مورد استفاده قرار دادند، نشان دادند که «بخشودگی» با کاهش سطوح خشم در ارتباط است (کویل و اینرایت^۵، ۱۹۹۷، ص ۱۰۴۴). در پژوهش دریسچر^۶ (۲۰۰۸) که با هدف «بررسی ارتباط پرخاشگری و معنویت در میان سربازان با اختلال استرس پس از رویداد» انجام گرفت، «بخشودگی» با پرخاشگری رابطه منفی نشان داد؛ این رابطه به این موضوع اشاره دارد که احتمال قرارگرفتن افراد با درجات بالای بخشودگی در طبقه پرخاشگر کمتر است (دریسچر، دیدیون، فوی، مایو و وبر^۸، ۲۰۰۸، ص ۵۶). پژوهش‌های کمی در ارتباط با رابطه بخشودگی و پرخاشگری وجود دارد؛ هرچند، پژوهش‌های موجود از این حقیقت حمایت می‌کنند که

9. Eaton & Struthers

10. Emmons

11. Denson, DeWall & Finkel

12. Wigglesworth

13. Castillo, Fallon, Baca, Conforti & Qualls

14. Orcutt, King L. & King D.

1. Koenig

2. Lonczak, Clifasefi, Marlatt, Blume & Donovan

3. Ellison & Anderson

4. Ellison, Bartkowski & Anderson

5. Coyle & Enright

6. Drescher

7. Post Traumatic Stress Disorder (PTSD)

8. Drescher, Didion, Foy, Mayo & Weber

محترم تیم‌های شرکت‌کننده در پژوهش، دکتر نوذر نخعی (عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمان) و ورزشکاران مشتاق که در این پژوهش ما را یاری کردند، اعلام می‌نمایند.

منابع:

۱. پارسامهر، مهربان. ترکان، رحمت‌الله. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر هواداری افراد از تیم‌های فوتبال لیگ برتر، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۳، صفحه ۸۵-۱۰۵.
 ۲. جوادی، رحم‌خدا. پرو، درا. (۱۳۸۷). رابطه هوش هیجانی و تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، اعتیاد پژوهی، صفحه ۶۹-۸۱.
 ۳. حاجیان، احمدرضا. شیخ‌الاسلامی، محمود. همایی، رضا. رحیمی، فیض‌الله. امین‌الرعایا، مهین. (۱۳۹۱). رابطه هوش معنوی و هیجانی، تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۱۰، شماره ۶، صفحه ۵۰۰-۵۰۸.
 ۴. سهرابی، فرامرز. (۱۳۸۷). مبانی هوش معنوی، فصلنامه سلامت روان، سال اول، شماره اول، صفحه ۱۴-۱۸.
 ۵. کشاورزی، سمیه. یوسفی، فریده. (۱۳۹۱). رابطه بین هوش عاطفی، هوش معنوی و تاب‌آوری، مجله روانشناسی ۶۳، سال شانزدهم، شماره ۳، صفحه ۲۹۹-۳۱۸.
 ۶. معلمی، صدیقه. رقیبی، مهوش. سالاری درگی، زهره. (۱۳۸۹). مقایسه هوش معنوی و سلامت روان در افراد معتاد و غیر معتاد، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، دوره ۱۸، شماره ۳، صفحه ۲۳۵-۲۴۲.
- آنها توانایی استفاده از منابع معنوی درجهت حل مسائل زندگی است (ایموز، ۲۰۰۰، به نقل از سهرابی، ۱۳۸۷، ص. ۱۶). در پژوهشی با عنوان «ارزیابی تأثیر آموزش مهارت حل مسئله در کنترل خشم نوجوانان پسر ۱۲-۱۵ ساله»، وکیلی (۱۳۸۶) به این نتیجه رسید که مهارت حل مسئله روشی مؤثر برای کنترل خشم به حساب می‌آید (وکیلی، ۱۳۸۶، ص. ۴۰). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هرچه فرد در زندگی خود در چگونگی انجام کارها خداوند را به-عنوان ملاک خود قرار دهد و کارها و اعمال خود را براساس دانش و آگاهی و شناخت انجام دهد، همچنین درمقابل رفتار نادرست دیگران نیز صبر و بردباری داشته باشد، کارهای روزانه خود را در زمان استراحت و آسودگی مرور کند و بر خود کنترل داشته باشد، می‌تواند کاهش هیجان‌های منفی از جمله پرخاشگری خود را فراهم کند. بر همین اساس، می‌توان با تقویت هوش معنوی نوجوانان و حتی سنین پیش از آن، موجبات پرورش خودداری و به-دنبال آن کاهش پرخاشگری را در آنها به‌وجود آورد و در نتیجه شاهد رفتارهای درست و منطبق با ارزش‌های جامعه بود. پیشنهاد می‌شود که پژوهش مشابهی بر شرکت‌کنندگان دختر، یا در گروه‌های سنی دیگر صورت گیرد و نتایج با هم مقایسه شود. از آنجاکه امکان استفاده از تعداد نمونه‌های بیشتر در پژوهش حاضر به‌عنوان شرکت‌کننده وجود نداشت، برای افزایش روایی نتایج حاصله، پیشنهاد می‌شود که پژوهش مشابهی با حضور جامعه بزرگتری انجام شود. پیشنهاد می‌گردد که در پژوهش‌های آتی عوامل مداخله‌گری همچون: وضعیت اقتصادی، پیشینه مذهبی، سبک فرزند پروری والدین تحت کنترل قرار بگیرد.

تقدیر و تشکر

در پایان پژوهشگران مراتب سپاس خود را از مدیران

۷. مقیمی، سیدمحمد. مجید، رمضان. (۱۳۹۰). پژوهشنامه مدیریت، جلد چهارم، انتشارات راه‌دان، تهران.
۸. ملکی، بهنام. محمدزاده، حسن. قوامی، اکبر. (۱۳۹۱). تأثیر آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری، استرس و بهزیستی روان‌شناختی ورزشکاران نخبه، رفتار حرکتی، شماره ۱۱، صفحه ۱۷۷-۱۹۰.
۹. نورزاد قراملکی، فاطمه. میرنسب، میرمحمود. غباری‌بناب، باقر. هاشمی، تورج. (۱۳۹۰). رابطه هوش معنوی با شیوه‌های مقابله مذهبی در دانشجویان دانشگاه تبریز، اولین همایش ملی یافته‌های علوم‌شناختی در تعلیم و تربیت.
۱۰. نورمحمدی، مریم. رحیم‌نهاد، زینب. بیابانین، مریم. (۱۳۹۲). رابطه هوش معنوی و سبک‌های دل‌بستگی با پرخاشگری در نوجوانان. مجموعه مقالات ششمین همایش بین‌المللی روانپزشکی کودک و نوجوانان. انجمن روانپزشکی کودک و نوجوان ایران، تبریز، شهریور ۱۳۹۲، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز.
۱۱. وثوقی، منصور. خسروی‌نژاد، سیدمحسن. (۱۳۸۸). بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی رفتار هیجانی تماشاگران فوتبال، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره اول، صفحه ۱۲۶-۱۴۹.
۱۲. وکیلی، پیوش. (۱۳۸۶). ارزیابی تأثیر آموزش مهارت حل مساله در کنترل خشم نوجوانان پسر ۱۲-۱۵ ساله، اندیشه و رفتار، دوره دوم، شماره ۶، صفحه ۳۹-۴۸.
۱۳. یعقوبی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). بررسی رابطه هوش معنوی با میزان شادکامی دانشجویان دانشگاه
- بوعلی همدان، پژوهش در نظام‌های آموزشی، صفحه ۹۲-۱۰۵
14. Bernstein, D.A., Clarke-Stewart, A., Roy, E. J., Wickens, C. D. (1997). Psychology: Furth Edition. Boston: Houghton Mifflin Company. Between emotional intelligence and subjective fatigue in university students. Journal of Psychosomatic Research. (60): 585-593.
15. Buss, A. H., & Perry, M. (1992). The Aggression Questionnaire. Journal of Personality and Social Psychology. 63, 452-459.
16. Castillo, D. T., Fallon, S. K., Baca, J. C., Conforti, K., & Qualls, C. (2002). Anger in PTSD: General psychiatric and gender differences on the BDHI. Journal of Loss and Trauma, 7(2), 119-128.
17. Coyle, C. T., & Enright, R. D. (1997). Forgiveness intervention with post-abortion men. Journal of Consulting and Clinical Psychology, 65, 1042-1046.
18. Conscious Pursuits. Spiritual Intelligence: What is it? How can we measure it? Why would business care? Bellaire, TX: Conscious Pursuits, Inc; 2003. P. 1-13.
19. Denson, Thomas F.; C. Nathan DeWall, Eli J. Finkel. (2012). Self-Control and Aggression. Current Directions in Psychological Science. 21(1). 20-25
20. Drescher, Kent; Lea M. Didion, David Foy, Robert A. de Mayo, Margaret J. Weber (2008). Pepperdine University, Graduate School of Education and Psychology: Aggression And Spirituality Among Veterans With Chronic Combat-Related Posttraumatic Stress Disorder, A clinical dissertation submitted in partial satisfaction of the requirements for the degree of Doctor of Psychology, 1-61

21. Eaton, J., & Struthers, C. W. (2006). The reduction of psychological aggression across varied interpersonal contexts through repentance and forgiveness. *Aggressive Behavior*, 32(3), 195-206.
22. Ellison, C. G. & Anderson, K. L. (2001). Religious involvement and domestic violence among U.S. couples. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 40(2), 269-286.
23. Ellison, C. G., Bartkowski, J. P., & Anderson, K. L. (1999). Are there religious variations in domestic violence? *Journal of Family Issues*, 20(1), 87-113.
24. Elkins, M. Cavendish, R. (2004). Developing a plan for pediatric spiritual care. *Holist NursPract*. 18(4): 179-84.
25. Emmons, R. A. (2000b). Is spirituality an intelligence? Motivation, cognition, and the psychology of ultimate concern. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 10(1), 3-26
26. Graham, F. (2002). Cognitive behavioral therapy for children and families. Tehran: Social Welfare and Rehabilitation Sciences University Publication. P. 256-278. Persian
27. <http://salamatnews.com/viewNews.aspx?ID=77373&cat=12>. 10/2/2013
28. King, D.B. (2008). Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure. M.Sc. Dissertation. Canada: Trent University, College of arts and sciences, 32-48.
29. King, D.B. (2008). Personal meaning production as a component of spiritual intelligence. *Proceeding of the 5th Biennial International Conference on Personal Meaning*. July 24-27, Toronto, Ontario, Canada.
30. King, D.B, De Cicco, TL. (2009). A viable model and self-report measure of spiritual, Trent University, Peterborough, Canada. *Int J Transpers Stud*. 28: 68-85.
31. Koenig, H. G. (2001). Religion and medicine II: Religion, mental health, and related behaviors. *International Journal of Psychiatry in Medicine*, 31(1), 97-109.
32. Lonczak, H. S., Clifasefi, S. L., Marlatt, G. A., Blume, A. W., & Donovan, D. M. (2006). Religious coping and psychological functioning in a correctional population. *Mental Health, Religion and Culture*, 9(2), 171-192.
33. Moher, N. (2003). *Psychiatric mental health nursing*. New York: Wiley & Sons. P: 556
34. Ohsaco, T. (1997). *Violence at school-global issues & intervention*. Switzerland: Unesco. p: 8-9.
35. Orcutt, H. K., King, L. A., & King, D. W. (2003). Male-perpetrated violence among Vietnam veteran couples: Relationships with veteran's early life characteristics, trauma history, and PTSD symptomatology. *Journal of Traumatic Stress*, 16(4), 381-390.
36. Oswald, K.D. (2004). Nurses' perceptions of spirituality and spiritual care and emotional Intelligence. [PhD Thesis]. Des Moines, IA: Drake University.
37. Pakaslahti, L. (2000). Children's and adolescents' aggressive behavior in context: The development and application of aggressive problem-solving strategies. *Aggress Violent Behav*. 5(5), p: 476-490.
38. Ross, A. (1997). *Personality psychology theories and processes*. Tehran: Ravan. P. 67-69. Persian
39. Ross, L.A. (1994). Spiritual aspects of nursing. *Journal of Advanced Nursing*. 19(3): 439-47.

40. Thompson, I. (2012). Mental health and spiritual care. *Nursing Standard*. 17(9): 33-8.
41. Van, L.R, Cusveller, B. (2004). Nursing competencies for spiritual care. *J AdvNurs*. 48(3): 234-46.
42. Vaughan, F. (2002). What is spiritual intelligence? *J Hum Psychol*. 42(2): 16-33.
43. Walker, CD. Roberts, MC. (2001). *Handbook of clinical child psychology*. 3rded. London: Wiley. Pp: 393
44. Wigglesworth, Cindy. (2011). *Spiritual Intelligence and Why It Matters*. Deep Change, Inc.
45. Zohar, D. Marshall, I. (2000). *SQ: Connecting with our spiritual intelligence*. New York: Bloomsbury; 324.